

# معمار محبت

روایات و خاطراتی از زندگی سردار شهید  
حسن شاطری (مهندس حسام خوشنویس)

## فهرست

۷	تقدیم‌نامه.....
۱۰	مقدمه.....
۱۴	زندگینامه شهید در چند سطر.....
۱۷	انقلاب و امام.....
۱۹	در جنگ تحمیلی.....
۲۳	این همان چیزی است که خواهیم خورد.....
۲۵	کوزه‌های سنگین.....
۲۷	اولین و آخرین.....
۳۳	ترکم کن، این مسیر دشوار است.....
۳۹	عاشق مقاومت.....
۴۱	ملیتا دامان مقاومت.....
۴۳	بازداشتی مبارک.....
۴۷	بوستان حضرت معصومه (سلام الله علیها).....
۵۱	نماز و وعده.....
۵۳	ارادت به نام اباعبدالله.....
۵۵	روز اول.....
۵۷	چای ایرانی.....
۵۹	برکت زمان و مکان.....
۶۱	دروازه‌ای به سوی قلب.....
۶۳	پارک ایران.....
۶۷	حشرهای بیش نبود.....
۶۹	چیزی جز عشق نبود.....
۷۳	پیوند زمین به آسمان.....
۷۵	پارک عیترون.....
۷۷	بچه‌ها مقاومت را بازی می‌کنند.....
۸۱	سهمی برای بزرگ‌ترها.....
۸۳	گردشی معنادار.....
۸۵	می‌توانی ایلات را هم ببینی.....
۸۷	آرزوهایی که تحقق نیافت.....
۸۹	مسیر فلسطین.....
۹۱	خدمتگزار حجاج.....
۹۳	شرکت خواهیم کرد.....
۹۵	هنر محبت.....
۹۷	خانواده شهدا.....
۹۹	کبوتر.....
۱۰۱	از دوری او شکایت می‌کرد.....

۱۰۳	..... دو بار تاج سر من هستی
۱۰۵	..... دعا
۱۰۷	..... مقاومت
۱۰۹	..... زبانی دشوار
۱۱۱	..... مدیریت جهادی
۱۱۳	..... او با من رفیق است
۱۱۵	..... آرامگاه‌های مقدس
۱۱۷	..... افسون تواضع
۱۱۹	..... سفر به ایران
۱۲۱	..... پدری بی نظیر
۱۲۵	..... رابطه با پدر
۱۲۷	..... سوءاستفاده از موقعیت
۱۲۹	..... رعایت نوبت
۱۳۱	..... او از آنان بود
۱۳۳	..... مدیریت
۱۳۵	..... بیشترین کار، کمترین زمان
۱۳۷	..... هم‌بازی کودکان
۱۳۹	..... نقطه‌ی مرزی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)
۱۴۱	..... چهره‌ای دیگر
۱۴۳	..... اینجا مکان مقدسی است
۱۴۵	..... شاگرد مکتب امام
۱۴۹	..... راز آن وابستگی عجیب
۱۵۳	..... مفهوم رحمت
۱۵۵	..... پول چای
۱۵۷	..... از اینجا عبور خواهند کرد
۱۵۹	..... شارژ اضافی
۱۶۱	..... به حال خود می‌گیریم
۱۶۳	..... شکایت‌های او در دفتری دیگر چاپ خواهد شد
۱۶۷	..... همسر، پسر و لبنان
۱۷۱	..... من دیپلمات نیستم
۱۷۵	..... وقتی شیر پیر می‌شود
۱۷۷	..... ترور انسانیت
۱۷۹	..... مردی طمع‌کار
۱۸۱	..... برنامه‌ای کامل
۱۸۳	..... اگر وزیر بود
۱۸۷	..... گفته‌هایی درباره‌ی شهید
۱۹۹	..... مقالات روزنامه‌ها
۲۳۹	..... آلبوم تصاویر

## مقدمه

مهندس حسام خوشنویس

شهید آبادانی، عشق به لبنان و مقاومت.

شهید مهندس حسام خوشنویس (ره) از بدو ورودش به خاک لبنان، پس از شکست اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه و بازگشت اهالی لبنان به شهرها و روستاهایشان که ارتش صهیونیست تأسیسات زیربنایی، ساختمان‌ها و سازمان‌های آن‌ها را به کلی ویران ساخته بود، با مردم این سرزمین همراه بود و با آنان زندگی کرد.

پس از توقف جنگ، هیئتی از جمهوری اسلامی ایران از لبنان بازدید به عمل آورد و آمادگی ایران را برای همکاری در بازسازی لبنان اعلام کرد. با توجه به تجربه‌ی دیرین مهندس حسام در امر بازسازی مناطق آسیب‌دیده از جنگ در بسیاری از مناطق ایران و افغانستان، وی به‌عنوان رئیس تیم بازسازی لبنان انتخاب شد.

من در آن موقع به‌عنوان نماینده‌ی حزب‌الله در امر بازسازی و برادر مهندس سعید ناصرالدین به‌عنوان نماینده‌ی جنبش امل در کنار مهندس حسام در اداره و اجرای پروژه‌های مختلف که نیاز به اطلاعات کافی و تلاشی استثنایی و بی‌وقفه داشت، مشغول به کار شدیم و برای سرعت‌بخشیدن به کار، فعالیت‌مان را بلافاصله بعد از پایان جنگ سی و سه روزه آغاز کردیم و بالاخره ساختار تیم بازسازی شامل مهندسين، معاونين و کارشناسان امور مرمت ساختمان، کادر اداری و خدمات شکل گرفت.

در ابتدا، کارمان را با بازدید از مناطق و روستاهای واقع در منطقه‌ی جنوب، بقاع و ضاحیه آغاز کردیم. شدت خسارات وارده بر راه‌ها، پل‌ها و اماکن مذهبی از جمله مساجد و کلیساها، مدارس، بیمارستان‌ها و ... باورکردنی نبود.

اولین کاری که به‌سرعت و با همکاری اهالی منطقه و روستاها انجام شد، تهیه‌ی آمارهای اولیه از میزان خسارات بود. بررسی‌ها به‌سرعت انجام و نقشه‌ها ترسیم شد. با پیمانکاران در مناطق مختلف تماس گرفته شد و قراردادهای شروع کار بازسازی، ترمیم و ساخت مناطق آسیب‌دیده بدون فوت وقت امضا گردید. به این ترتیب دایره‌ی فعالیت تیم بازسازی هرچه بیشتر افزایش یافت به‌طوری‌که طی شش سال و نیم خدمات برجسته و عظیمی را در همه‌ی مناطق کشور به انجام رساند. دستاوردهای این تیم بالغ بر ۱۷۳۲۸ طرح پیشرفته و پراکنده، شامل ساخت راه‌ها، پل‌ها، اماکن مذهبی و دیگر طرح‌ها و برنامه‌های متوسط و کوچک در سراسر کشور بود.

سخن از اقدامات و مدیریت مهندس حسام در طی سال‌های حضورش در لبنان حدیثی طولانی و نیازمند کتاب‌ها و صفحاتی بسیار است تا حق مطلب ادا شود. اما او به واسطه شهادتش بر گردن ما به‌عنوان شاهدانی که در این سال‌ها وی را درک کردیم و همراهش بودیم، حقی دارد که ناچاریم در حد بضاعت خود آن را ادا کنیم.

شهید حسام با حضور در کشور لبنان تلاش‌ها و اقدامات برجسته و بخشش‌های دلسوزانه‌اش را در دوران بازسازی این کشور به ثبت رساند، به‌طوری‌که سخن گفتن از دوران بازسازی و بازگشت آبادانی به لبنان پس از جنگ ۳۳ روزه بدون ذکر نام مهندس حسام و هیئت ایرانی به عنوان اولین و بزرگترین هیئت حاضر ممکن نیست. همه‌ی اینها یادآور نام آنان در اذهان مردم لبنان، مسئولان و فعالان عرصه‌ی جنبش بازسازی لبنان از مناطق جنوبی تا بقاع و ضاحیه در جنوب بیروت است.

حضور مهندس حسام در کشور لبنان از سه جنبه دارای ویژگی‌های خاص است:

اول: مدیریت، تعهد عالی و تلاش مستمر، ایثار، صداقت و اخلاص در عمل

با آنکه تقریباً همیشه در زمان انجام کارها و امورات در کنارش بودیم و او را همراهی می‌کردیم، اما او چه در دفتر کار و چه در محل انجام پروژه‌ها از ما جلوتر بود. از اولین ساعات روز تا آخرین ساعات شب کار می‌کرد. سعی داشت تا قبل از کارگران و پیمانکاران در کارگاه‌ها حضور داشته‌باشد. صبح زود از بیروت به‌طرف هرمل حرکت می‌کردیم تا رأس ساعت هفت صبح، یعنی زمان شروع کار کارگرانی که در حال ساخت پل تخریب‌شده‌ای بودند که هرمل را به دیگر مناطق بقاع متصل می‌کرد، در آنجا حضور داشته باشیم. همیشه به پیمانکاران و کارگران تأکید می‌کرد تا ساعات پایانی شب کار کنند تا به این ترتیب کارها هرچه سریع‌تر برای تأمین رفاه مردم پیش‌رود.

واقعاً عاشق کار در میدان عمل بود و نه عاشق پشت میز نشینی. در همه‌ی مناطق جنوبی، ضاحیه و در هر جای دیگری این روش کار او بود. روز تعطیل نداشت؛ نه جمعه و نه یکشنبه، همه‌ی روزها، روز کاری بود. گویی نشستن و استراحت کردن او را خسته می‌کرد. زندگی او با تلاش و از خودگذشتگی مستمر عجین شده بود. به‌طوری‌که در بسیاری مواقع تنها در یک‌روز، از دورترین مناطق جنوب در صورت یا بنت‌جیل به بعلبک و یا هرمل سفر می‌کرد تا از چگونگی پیشرفت طرح‌ها در همه‌جای کشور مطلع شود.

دوم: آمیختگی حضورش در لبنان با عشق او به این کشور و به‌ویژه مردمان مقاوم و پایدارش

با عشق کار می‌کرد و عاشقانه به ملت قهرمان لبنان که اسرائیل را شکست و به جهانیان درس عزت، کرامت، مقاومت و نشاط داده بودند افتخار می‌کرد. از این‌رو همواره می‌گفت: «ما از جمهوری اسلامی ایران آمده‌ایم تا به این ملت مقاوم قهرمان و عزیز خدمت کنیم».

از خدمت‌رسانی به مردم لبنان احساس رضایت می‌کرد و به همین خاطر در همه‌ی مناطق و روستاهایی که وی سهمی در بازسازی بناها یا مرمت راه‌ها، مدرسه‌ها، مساجد، کلیساها و یا بوستان‌هایشان داشت، مردم او را دوست داشتند. متواضع، بی‌ریا و سرشار از صداقت و پاکی بود. به کوچک و بزرگ سلام می‌کرد و توجهی خاص به افراد سالمند، نیازمند و بی‌بضاعت داشت. در مقابل خانواده‌های شهدا که آنان را مایه‌ی افتخار خود می‌دانست خم می‌شد و دستانشان را می‌بوسید. درخواست هیچ‌کسی را رد نمی‌کرد به‌گونه‌ای که در مواقع بسیاری با وعده‌هایش که نشانه‌ی عشق و علاقه‌ی او برای خدمت به این مردم شریف بود، ما را با وجود بودجه‌ی محدودمان، نیازهای روبه‌رشد و ریشه‌دار و زیاد مردم، در تنگنا قرار می‌داد، زیرا بودجه‌ی بازسازی کفای همه‌ی خواسته‌های آنان را نمی‌داد.

سوم: آمیختگی دوران حضورش با مراعات مدرن‌ترین ویژگی‌های هنری و در اجرای پروژه‌های تیم ایران به‌خصوص در پروژه‌های زیرساختی که مدرن‌ترین دستگاه‌ها و ابزارآلات، کارخانه‌های آسفالت و بتن‌سازی از آلمان و سوئیس برای آنها وارد کرد، پیشرفته‌ترین روش‌ها را به‌کار بست و همچنین از دفتری اتریشی که صاحب تجربه‌ی جهانی در امر راه‌سازی بود، جهت نظارت بر کارها کمک گرفت به‌طوری‌که امروزه لبنانی‌ها به صراحت از استحکام و ممتاز بودن راه‌ها و طرح‌هایی که تیم ایرانی در لبنان به انجام رساند، سخن می‌گویند و اقدامات آنان را در انجام پروژه‌ها، متمایز از پروژه‌های دیگر به‌شمار می‌آورند.

نحوه‌ی عملکرد هیئت ایرانی ترغیبی بود برای همه‌ی گروه‌های کمک‌رسان و مؤسسات لبنانی که در این عرصه پا جای پای تیم ایرانی بگذارند و پروژه‌های مستحکم‌تر و ماندگارتری را به انجام رسانند تا برای سال‌های بیشتری در خدمت مردم و در جهت سوددهی بیشتر به آنان باشد و وطنمان لبنان هرچه زیباتر شود. مهندس عزیز ما و یار دوران جنگ‌زدگی به شهادت رسید. دورانی که به آن عشق می‌ورزید و همه‌ی هستی‌اش را به آن دوران عطا کرد. او شهید شد اما هرگز از میان ما نرفت، نه فقط از آن روی که در اذهان و قلوب مردم لبنان باقی‌ماند بلکه از آن‌رو که خود نیز به ماندن و خدمت در لبنان تمایل داشت.

در آخرین دیدار و قبل از آخرین سفر، ما را که توقع بازگشت او و شروع مجدد کار را در کنارش داشتیم، جمع کرد و به من گفت: «می‌دانم که بخش زیادی از

پروژه‌ها و برنامه‌ها را به اتمام رساندیم و قسمت اندکی از آن باقی مانده است، اما من این سرزمین، مردم مهربان، مقاومت و قهرمانانش را دوست دارم و آرزو می‌کنم تا با برنامه‌های جدیدی در این‌جا مشغول شویم و در کنار ملت خوب و مهربان آن باقی بمانیم».

شهید عزیزم، درجه‌ی شهادت گوارای وجودت باد. همان شهادتی که همواره آن را طلب می‌کردی و با شوق آرزویش را داشتی. هر زمان که به پدران و مادران و خانواده‌های شهدا می‌نگریستی آن اشتیاق را در چشمانت می‌دیدم. تو گرانبهارترین دوران عمرت را در لبنان گذراندی و زندگی‌ات را برای آن تقدیم کردی و در راه خدمت به مردم و مقاومت آن و در راه رسیدن به فلسطین که همواره در قلب و ذهن‌ت جاری بود، به لبنان آمدی. تو در راه لبنان و فلسطین و عشق به آنجا و مردمانشان به شهادت رسیدی.

برترین تسلیت‌ها را به خانواده‌ی مجاهد تو و به همه‌ی قهرمانان حاضر در هیئت بازسازی ایرانی و به هرکسی که تو را می‌شناخت و به تو عشق می‌ورزید و به همه‌ی ملت لبنان و به مقام معظم رهبری و ملت ایران تقدیم می‌کنیم و ای شهید عزیز و سرآمد در ایثار، جهاد و شهادت، به تو افتخار می‌کنیم.

**مهندس حاج حسن حجازی**

**نماینده‌ی حزب‌الله برای همکاری با**

**هیئت اعزامی ایران برای بازسازی لبنان**